

فساد چیست؟ مفسد واقعی کیست؟

آرش کمانگر

جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر فاز جدیدی از یورش سراسری به مردم و بویژه جوانان کشورمان را آغاز کرده است. این مرحله از شبیخون ارتجاع حاکم، اساساً دو هفته پیش از سومین سالروز حماسه ۱۸ تیر شروع شد. به همین خاطر بسیاری از ناظران سیاسی هدف از آن را هشدار دادن و زهر چشم گرفتن از جوانان برای ممانعت از تلاش سراسری آنها جهت برگزاری سومین سالگرد خیزش انقلابی شش روزه تیرماه ۷۸ می دانستند. اما اکنون که رژیم هول و هراس های ناشی از مراسم های گرامیداشت را با بگیرو ببند صدها جوان در تهران و دیگر شهرها پشت سر گذاشته، باز شاهد تداوم یورش گزرمه گان به محافل و پارتی های جوانان هستیم. سران حکومت و نیروهای انتظامی، هدف خود از این فاز جدید تهاجمی را مبارزه با «روند رو به رشد فساد و ابتذال غربی» در میان جوانان و «بازگرداندن آنها به آغوش گرم اسلام» اعلام نموده اند. در راستای این یورش و خانه گردی های گسترده بود که رسانه ها خبر از به دام افتادن هشت بازیکن شاخص تیم ملی فوتبال ایران داده اند که البته تا کنون فقط اسم «مجاهد خضراوی» فاش گردیده است. جرم این جوانان ملی پوش این بود که به یکی از «خانه های محبت» (که رژیم از آنها به عنوان خانه های فساد یاد می کند) رفت و آمد داشته، با دختران تن فروش همخوابگی کرده و مشروب می نوشیدند. به همین خاطر هریک از این بازیکنان علاوه بر جریمه نقدی و محرومیت چند ساله از بازی های رسمی فوتبال، به ده ها و گاه صدها ضربه شلاق محکوم شده اند. این ملی پوشان تازه شانس آوردند که روابط جنسی آنها از نوع «زنای غیر محصنه» بوده و الا در صورت همخوابگی با زنان شوهردار تن فروش، حساب کارشان با «کرام الکاتبین» بود!! مشابه چنین یورش هایی در بسیاری از نقاط دیگر صورت گرفته که گاه منجر به دستگیری ده ها نوجوان و جوان به بهانه برپایی جشن تولد شده است، حتی در جریان یکی از نزاع ها جوانی نیز در تهران کشته می شود.

در بررسی این تهاجم جدید، می توان حول دو پارامتر اساسی مکث نمود: **فحش** اینکه یورش های اینچنین گسترده به جوانان پسر و دختر در شهرهای بزرگ، سند ورشکستگی و استیصال کامل رژیم را مبنی بر تحمیل قوانین عصر شترچرانی به اکثریت بزرگی از مردم و بویژه جوانان به ثبت می رساند. آنها دارند به چشم خود می بینند که علیرغم ۲۳ سال خفقان، شست و شوی مغزی و پمپاژ یکطرفه خرافات قرون وسطایی، نتوانسته اند مردم جویای آزادی، مدنیت، مدرنیته و سکولاریسم را از شادی، شادکامی و شادخواری باز دارند. هر چیزی را که آنها ممنوع و حرام اعلام کردند مردم در عوض بیشتر عطش انجام آنها را داشتند. این خود نشانگر بالندگی سیاسی و عرفی مردم و جوانان کشورمان است که در میان کشورهای باصطلاح اسلامی خاورمیانه، عظیم ترین جنبش مخالفت با حکومت دینی و جامعه مبتنی بر احکام شریعت را به پا داشته اند. بنابراین فاز جدید تهاجم رژیم را همچون یورش های گذشته باید نشانه ای از «کویدن آب در هاون» دانست و همچنانکه امام جمعه مستعفی اصفهان (آیت الله طاهری) در نامه سرگشاده اش اعتراف کرده سبب دوری بیش از پیش جوانان از هرچه دین و مذهب می شود. از این رو شکست این تهاجم نوین نیز در برابر نافرمانی مدنی سراسری جوانان حتمی است.

دوم اینکه در ایران امروز کسانی دارند از «فساد» و «مفسد» سخن می گویند که خود در هرزگی شهره آفاق اند. از دیدگاه این حضرات، هرگونه عشق ورزی و حتی رابطه دوستانه در خارج از سنت عقد و ازدواج، هر نوع برپایی مراسم و جشن های مختلط، هر نوع نوشیدن مشروبات الکلی، هر نوع رقص و شادی و پایکوبی، هر نوع رابطه جنسی خارج از قوانین پوسیده شرعی، هر نوع «خود ارضایی» و «همجنس گرایی» و غیره و غیره نشانه «فسق و فجور و لهو و لعب» هستند، اما تعدد زوجات، صیغه، ازدواج موقت، پدوفیلیسم (رابطه جنسی بزرگسالان با خردسالان) در صورت ازدواج با دختر بچه گاه زیر ۱۸ سال و ... فساد نیست؟!

در مذهب این حضرات می توان زنان یا دختران تن فروش خیابانی را در اطراف مقبره ها در مشهد و قم و عبدالعظیم و تهران، تور زد به شرطی که آخوندی مفت خور خطبه مربوط به صیغه موقت را بخواند یعنی فحشای شرعی مجاز است منوط به اینکه حق الحساب را به «آخوندهای پاندا» بدهند. اما اگر این مراحل طی نشد و همین تجارت سکس در یکی از خانه های امن «محبت» در کوچه پس کوچه های شهر صورت گرفت، اسمش فساد است و باید خاطبان را به شلاق و سنگسار و جریمه و حبس محکوم نمود.

می گویند همخوابگی با زنان تن فروش حرام است، اما نمی گویند چه به روز اقتصاد و اجتماع آورده اند که فوج دختران تهیدست به سوی فحشا کشیده می شوند؟

می گویند جوانان روز به روز در «ابتذال و هرزگی» فرومی روند، اما نمی گویند در جامعه ای که جز از طریق ازدواج نمی توان نیازهای عشقی و سکسی را مرتفع کرد و این نیز به دلیل مشکلات ناشی از فقر و بیکاری عملاً امکان ناپذیر شده، جوانان «چه خاکی» به سرشان کنند، «خود ارضایی» هم که حرام است و خاطی را با «شعله های آتش جهنم» روبرو می کند؟!

به علاوه این روزها آخوندها و باندهایشان در زمینه «فسادهای غیر شرعی» نیز مشغول تجربه اندوختن هستند.

کشف «کانون هدایت» در کرج که توسط برخی از حکام شرع راه انداخته شده بود، نمونه ای از این مدعاست در بنیاد مذکور به بهانه «هدایت» دختران فراری، آنها را پس از سواستفاده های جنسی به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می فروختند. همچنین یکی از زنان تن فروش تهرانی چندی پیش طی مصاحبه ای با بخش فارسی رادیو سوئد (که نوار آن از رادیو برابری در اروپا و رادیو صدای زن در کانادا نیز پخش شد) پرده از رابطه مقامات رژیم با تن فروشان خیابانی برداشت. او از جمله از آخوند قرائتی معروف اسم برد که طی دو دهه گذشته «جا نماز آب می کشید» و از تلویزیون رژیم اخلاقیات اسلامی را به مردم آموزش می داد.

به علاوه بسیاری از جوانان ایران تناقض بزرگی را در آموزه های دینی کشف نموده اند. آنها در مدرسه و جامعه، دایما روایات و توصیفات مربوط به آخرت و «نعمت بهشت» را شنیده اند و اینکه در آن دنیای زیبا، در کنار جوی های روان و درختان میوه، حوریان بهشتی و عریان نیز به هر تعداد که لازم باشد در انتظار مردان است و زنان نیز می توانند از پسران زیباروی (که به آنها «قلمان» می گویند) کام گیرند. در چنان جهانی نه از حجاب خبری است و نه از تقدس خانواده و ازدواج و انواع محرومیت های شرعی. بالعکس عریانی و اشتراک جنسی بیداد می کند یعنی همان «افعال حرامی» که در این دنیا (جهان نقد) جزو گناهان کبیره محسوب می گردند. جوان ایرانی از خود می پرسد چرا باید «حلوای نقد را فدای نسیه کند» و زندگی دنیوی خود را در جهنمی از خرافات دست و پاگیر سپری نماید؟! اگر در آزادی پوشش و رابطه عشقی و آزادانه انسان ها، اکسیر گناه آلودی وجود دارد پس چرا در «بهشت خیالی» این حصرات، همه این گناهان و جرایم به وفور غوغا می کنند؟! تناقضاتی از این دست است که سبب می شود روز به روز گرایشات سکولاریستی و دین گریزانه در میان مردم و جوانان پسر و دختر تقویت شود و به بمبی ساعتی برای انفجار بارگاه خلفای اسلامی حاکم مبدل گردد. تهاجم اخیر رژیم به جوانان تلاشی است از روی استیصال برای عقب انداختن تاریخ این انفجار!

۱۷ جولای ۲۰۰۲

هفته نامه پیوند ، چاپ کانادا ، شماره ۴۲۳